

## دادگاه بین‌المللی دادگستری

یکی از هدفهای عمده ملل متحد عبارتست از «تصفیه و حل اختلافات بین‌المللی یا موقعیتهایی که ممکنست بنقض صلح منجر گردد، بوسایل مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، بند ۱، ماده یک منشور ملل متحد. برای تحقق این آرزو و رسیدن باین هدف عمده است که منشور ملل متحد «دادگاه بین‌المللی دادگستری» (۱) را تأسیس نموده و آنرا یکی از ارکان اساسی ملل متحد محسوب داشته‌است، بند یک ماده ۷ منشور ملل متحد. ماده ۹۲ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که «دادگاه بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد خواهد بود». همین ماده اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را جزء لاینفک منشور ملل متحد می‌شمارد.

مهمترین اثری که بر گزیدن دادگاه بعنوان رکن قضایی اصلی ملل متحد دربر دارد این است که نخست دادگاه بطور کلی هدف‌های ملل متحد را تعقیب خواهد کرد و دو دیگر آنکه دادگاه در کار سازمان بین‌المللی بطور کلی شرکت خواهد نمود. علاوه بر این، قبول اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری بعنوان جزء لاینفک منشور ملل متحد دارای این ارزش حقوقی است که اعضای ملل متحد را خود بخود (۲) اعضای دادگاه نیز می‌شمارد (بند یک ماده ۹۳ منشور ملل متحد)، زیرا در اینصورت قبول منشور ملل متحد از طرف اعضا در حکم قبول اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری نیز خواهد بود.

در تعقیب مقررات ماده ۳۳ منشور ملل متحد که طرفین هر گونه اختلافی را که ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی باشد، بحل مسالمت‌آمیز آن اختلاف (منجمله تصفیه قضایی آن) می‌خواند، بند سوم ماده ۳۶ منشور ملل متحد شورای امنیت را موظف می‌دارد که بطرفین هر گونه اختلافی که خطری برای صلح و

- 1) The International Court of Law .
- 2) Ipso facto .

امنیت بین‌المللی باشد، بعنوان يك قاعده کلی توصیه نماید که برای حل آن اختلاف  
بدادگاه بین‌المللی دادگستری متوسل گردند. اعضای ملل متحد بعد از می‌گیرند که  
تصمیمات دادگاه را در مورد مسایلی که خود بدادگاه عرضه کرده‌اند، محترم شمارند.  
در غیر اینصورت طرف دیگر دعوا حق دارد به شورای امنیت رجوع نماید، بندیک  
و دو ماده ۹۴ منشور ملل متحد.

## ۱

### تاریخچه دادگاه بین‌المللی دادگستری

اندیشه داوری و حل مسالمت آمیز اختلافات پدید آمده نویسی نبوده در  
دنیای کهن، خاصه در یونان قدیم<sup>(۱)</sup> سوابقی دارد. در ادیان کهن مشرق زمین و  
در اسلام<sup>(۲)</sup> نیز بداوری اشاراتی شده و کهکاه از آن در رفع اختلافات استفاده  
می‌شده است.

رشد امپراتوریهای بزرگ مقدونیه، رم و ایران و تمرکز قدرت در آنها  
از پیشرفت اندیشه داوری تا حدی جلوگیری نمود. سپس ظهور امپراتوریهای  
مذهبی در غرب و خلافت اسلامی در شرق در جلوگیری از رشد اندیشه داوری اثر  
قطعی داشت. اگرچه رؤسای مذهبی گاه بصورت داور باختلافات حکمرانان  
قلمرو خود رسیدگی می‌کردند، لکن این رسیدگی کاملاً بیطرفانه و بر اساس  
قواعد حقوقی انجام نمی‌گرفت.

در قرن هفدهم پس از میلاد هوگو گروتیوس<sup>(۳)</sup> در کتاب «قانون جنگ و  
صلح» از داوری بعنوان سلاحی برای رفع اختلافات سیاسی استفاده نموده است.  
بنا بعقیده وی «پادشاهان و دول مسیحی ملزم با استفاده از داوری برای پرهیز از  
جنگ می‌باشند... و بدین منظور و برای سایر هدفها مفید و در حقیقت ضروریست  
که نیروهای مسیحی کنفرانسهایی ترتیب دهند که در آن کسانی که منافع آنان  
درگیر نیست، اختلافات را تصفیه نمایند و حتی طرفین دعوا را مجبور بقبول صلح

1) A concise history of the law of nations, A. Nussbaum, PP.5-10.

2) «War and peace in the law of Islam», M. Khadduri.

3) Hugo Grotius.



**داوری عصر حاضر** در هر حال از سال ۱۷۹۴، یعنی از قرارداد جی (۱) که بین بریتانیای کبیر و ممالک متحده امریکا برای رفع اختلافات آن دو دولت منعقد گردید، آغاز می گردد. بموجب این قرارداد کمیسیونهای مشترک داوری مرکب از اعضای مساوی از دو دولت مذکور و بریاست سرداور بیطرفی تشکیل می گردید تا باختلافات دو دولت رسیدگی کند. فاصله بین این تاریخ تا داوری مشهور آلاباما دوره تجدید حیات داوری در روابط بین المللی محسوب می گردد. مرحله قطعی پیشرفت داوری در حل اختلافات بین المللی از سال ۱۸۷۲، یعنی از **داوری آلاباما** بین ممالک متحده امریکا و بریتانیای کبیر شروع می شود. **کمیسیون داوری** بموجب قرارداد واشنگتن منعقد در ۸ ماه مه ۱۸۷۱ تشکیل و مرکب بود از یک داور انگلیسی، یک داور امریکایی و سه داور بیطرف از ملیت های ایتالیایی، سویسی و برزیلی. دعوای مزبور ناشی از این بود که کشتی آلاباما که در انگلستان ساخته شده بود، در سال ۱۸۶۲ به نیروی دریایی کنفدراسیون جنوبی امریکا پیوسته و در جنگ های داخلی امریکا شرکت کرده بود.

جلسات کمیسیون داوری مزبور در شهر ژنو منعقد گردید و در سال ۱۸۷۲ کمیسیون مزبور رأی خود را ۴ بر یک بنفع دولت امریکا صادر و انگلستان را به پرداخت ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ دلار خسارت موظف نمود.

نکته جالب در این داوری اولاً ترکیب آن بود که از هر کشور عضو کمیسیون داوری یک داور شرکت کرده بود و تعداد اعضای بیطرف هیئت داوری بیش از اعضای ذینفع بود. دیگر اینکه قواعد اساسی وظایف دول بیطرفی که می بایستی از طرف هیئت داوری مراعات گردد، بصراحت در قرارداد واشنگتن ۱۸۷۱ ذکر گردیده بود. از این تاریخ بعد ذکر عبارات و جملاتی در قراردادها دایر بارجاع اختلافات ناشی از اجرای قرارداد بداورری رایج می گردد.

1) Jay treaty .

بیشرفتهای مهمتر در این زمینه در «کنفرانس اول صلح لاهه ۱۸۹۹» و کنفرانس دوم صلح لاهه ۱۹۰۷» پایه گذاری گردید :

شرکت کنندگان در کنفرانس اول صلح لاهه «قرارداد لاهه برای تصفیه مسالمت آمیز اختلافات بین المللی»<sup>(۱)</sup> را امضا و با اعتقاد بتحصيل صلح دایمی از طریق حکومت قانون **دیوان دایمی داوری**<sup>(۲)</sup> را تأسیس نمودند. این دیوان يك دادگاه بمعنی امروزی نبود، بلکه متشکل از اسامی ۱۵۰ تا ۲۰۰ حقوقدان (از هر کشوری ۴ نفر) بود که دول طرفین دعوی می توانستند داوران خود را از میان آنها انتخاب نمایند. این دیوان که هنوز هم وجود دارد (بند اول ماده ۴ اساسنامه دادگاه بین المللی داد گستری)، به بیست مسئله رسیدگی نموده است.

دومین کنفرانس صلح لاهه **دادگاه بین المللی غنائم جنگی**<sup>(۳)</sup> و **دیوان داوری عدالت**<sup>(۴)</sup> را در نظر گرفته بود که جنبه دایمی تری داشت. اگرچه کوشش در این راه مثمر ثمری نگردید، لکن حایز ارزش خاصی است از این نظر که با این اقدام نخستین کوشش در راه ایجاد سازمانهای بین المللی در زمینه امور حقوقی صورت گرفته است. استفاده از دیوان دایمی داوری متضمن توافق قبلی طرفین بتوسل به آن و انتخاب داوران و سرداور و همچنین توافق در مورد نحوه عرضه اختلاف بود. آیین کار و در نتیجه استفاده از این دیوان مدت مدیدی بطول می انجامید.

در سال ۱۹۲۰ با تأسیس **دادگاه دایمی عدالت بین المللی**<sup>(۵)</sup> که در «میثاق جامعه ملل» در نظر گرفته شده بود، برجسته ترین گام در راه توسل بدادگاههای بین المللی برداشته شد. این دادگاه که در سال ۱۹۲۲ شروع بکار کرد، دارای

- 1) The Hague Convention for the Pacific Settlement of Inter - national Disputes .
- 2) The Permanent Court of Arbitration .
- 3) International Prize Court .
- 4) Arbitral Court of Justice .
- 5) The Permanent Court of International Justice .

عضویت معین و محل دایمی بوده بصورت دادگاهی کامل تشکیل گردید. وجود دادگاه فرصتی بود برای دول عضو جامعه که نه تنها اختلافات موجود خود را بدان ارجاع کنند، بلکه در متن معاهدات خود جمله‌ای بکنجانند دایر بر اینکه کلیه دعاوی ناشی از موضوع خاصی در آینده بدان دادگاه ارجاع گردد. با شروع جنگ جهانی دوم دادرسی دادگاه متوقف و در سال ۱۹۴۶، با انحلال جامعه ملل کار دادگاه پایان یافت. در این مدت دادگاه به ۵۱ اختلاف رسیدگی کرده ۶۸ رأی مشورتی صادر نمود. دول بسیاری در قراردادهای خود صلاحیت دادگاه را بطور یکجانبه قبول نمودند.



در سال ۱۹۴۵ دادگاه بین‌المللی دادگستری (۱) بعنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد در لاهه تأسیس گردیده شروع بکار نمود. اساسنامه دادگاه حاضر با تغییراتی جزئی همان اساسنامه دادگاه دایمی عدالت بین‌المللی است. دادگاه آیین کار دادگاه سابق را با تغییرات کوچکی قبول کرد. می‌توان گفت که دادگاه حاضر ادامه کار دادگاه دایمی عدالت بین‌المللی سابق را بعهده دارد؛ بموجب اساسنامه دادگاه هر گاه در معاهده یا قرار دادی که هنوز لازم‌الاجراست، اشاره بحل اختلافات توسط دادگاه دایمی عدالت بین‌المللی و یا هر گونه محکمه‌ای که توسط جامعه ملل بپا شده است، شده باشد، آن اختلاف بدادگاه بین‌المللی دادگستری رجوع می‌گردد.

## ۲

### سازمان دادگاه بین‌المللی دادگستری

#### دادرسان و طرز انتخاب آنها

دادگاه بین‌المللی دادگستری مرکب خواهد بود از پانزده قاضی عالی‌رتبه (بند یک ماده ۳ اساسنامه دادگاه) که واجد شرایط انتخاب شدن بعضویت عالی‌ترین

1) The International Court of Justice.

دادگاههای کشور متبوع خود بوده و یا از حقوقدانانی باشند که صلاحیت کامل در حقوق بین الملل دارند (ماده ۲ اساسنامه دادگاه).

بموجب بند اول ماده ۳ اساسنامه دادگاه، از هیچ کشوری بیش از یک قاضی نمی تواند عضویت دادگاه انتخاب گردد و در صورتی که دو نامزد از اتباع یک دولت عضویت دادگاه انتخاب شوند، تنها نماینده ای که سالخورده تر است، عضویت رسمی دادگاه در خواهد آمد (بند اول و سوم ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه). هر گاه یکی از دادرسان منتخب دارای ملیت چند گانه باشد، ملیت کشوری که معمولاً در آنجا حقوق سیاسی و مدنی خود را بموقع اجرا می گذارد، ملیت وی محسوب خواهد شد (ماده ۳ بند دوم).

### انتخاب قضات بطریق زیر انجام می گیرد: قضات از میان گروههای

ملی دادگاه دایمی داوری انتخاب می شوند (ماده ۴، بند اول). در صورتی که عضوی از اعضای ملل متحد دارای گروه ملی در فهرست اعضای دادگاه دایمی داوری نباشد، دولت عضو مزبور بر طبق ماده ۴۴ «قرارداد لاهه (۱۹۰۷) برای تصفیه مسالمت آمیز اختلافات بین المللی» گروه ملی برای نامزد کردن نماینده ای ترتیب می دهد و گروه ملی مزبور نماینده خود را معرفی خواهد کرد (ماده ۴، بند دوم). در صورتی که دولتی صلاحیت قضایی دادگاه را قبول کرده باشد، ولی عضو سازمان ملل متحد نباشد، و هیچ گونه قراردادی دایر بطرز شرکت آن دولت در انتخاب دادرسان دادگاه نیز موجود نباشد، مجمع عمومی مقررات شرکت آن دولت را در انتخاب قضات بر حسب توصیه شورای امنیت معین خواهد نمود (بند سوم، ماده ۴).

انتخاب قضات توسط مجمع عمومی و شورای امنیت جدا گانه (ماده ۸ اساسنامه) انجام گرفته نامزدهای دادرسی بایستی برای انتخاب دارای اکثریت مطلق در هر دو هیئت (مجمع عمومی و شورای امنیت) باشند. انتخابات بدین طریق انجام می گیرد: دبیر کل ملل متحد سه ماه قبل از تاریخ انتخابات با گروههای ملی دیوان دایمی داوری تماس گرفته اسامی نامزدهای آنان را می خواهد. این

عمل معمولاً از طریق وزیر امور خارجه دولت متبوع گروه ملی انجام می‌گیرد. گروه ملی اسامی نامزدهای خود را تهیه و برای دبیر کل ملل متحد می‌فرستد. نامزدهای هر گروه ملی هیچگاه بیش از ۴ نفر نخواهند بود. از این عده تنها دو نفر می‌توانند دارای ملیت گروه ملی مزبور باشند (ماده ۵ بند دوم). پیشنهاد ۴ نامزد در مواردیست که بیش از یک کرسی خالی باشد، زیرا بموجب قسمت اخیر بند دوم ماده ۵ اساسنامه دادگاه «در هیچ مورد ممکن نیست بیش از دو برابر کرسیهای خالی دادرسی نامزد دادرسی معرفی نمود».

دبیر کل ملل متحد پس از دریافت اسامی نامزدهای کرسی دادرسی صورتی بترتیب الفبا تهیه کرده آنرا برای مجمع عمومی و شورای امنیت می‌فرستد. همراه با این صورت نامزدها که تنها اشخاص واجد شرایط دادرسی محسوب خواهند شد، دبیر کل شرح حالی از نامزدها نیز ضمیمه می‌کند.

نامزدهایی که در انتخابات مجمع عمومی و شورای امنیت حائز اکثریت مطلق گردند، دادرسان انتخاب شده محسوب می‌گردند. در مورد رأیی که در شورای امنیت بدین منظور گرفته می‌شود، بین اعضای دایمی و غیر دایمی فرقی نخواهد بود (ماده ۱۰ اساسنامه، بند دوم). چنانکه ذکر شد، هرگاه دو نامزد دارای ملیت واحد حائز اکثریت مطلق آرا در مجمع عمومی و شورای امنیت گردند، تنها عضو سالخورده‌تر انتخاب شده محسوب خواهد گردید. هرگاه در انتخابات دور اول آرا طوری باشد که پاره‌ای از کرسیهای دادرسی خالی بماند، انتخابات برای بار دوم و در صورت ضرورت برای بار سوم تکرار خواهد شد.

هرگاه پس از بار سوم نیز نامزدهای دادرسی دارای اکثریت مطلق نباشند و پاره‌ای از کرسیهای دادرسی خالی بماند، بنا به پیشنهاد مجمع عمومی یا شورای امنیت کنفرانس مشترك<sup>(۱)</sup> مرکب از شش عضو - سه نفر از طرف مجمع عمومی و سه نفر از طرف شورای امنیت - با اکثریت مطلق نامزدی را برای تصویب مجمع عمومی و شورای امنیت بر خواهد گزید. اختیار فوق‌العاده‌ای که باین کنفرانس

1) A Joint Conference.

مشترك داده شده است، اینست که در صورتی که اعضای کنفرانس مزبور بالاتفاق شخص واجد شرایطی غیر از نامزدهای معرفی شده در صورت اسامی تقدیمی از طرف دبیر کل (بموجب ماده ۷) به مجمع عمومی و شورای امنیت را برای دادرسی صلاح ببینند، می توانند نام وی را در صورت اسامی نامزد های منتخب خود بگنجانند (ماده ۱۲، بند دوم).

در صورتی که کنفرانس مشترك نیز با انتخاب دادرسانی برای کرسیهای خالی موفق نگردد، آن عده از اعضای دادگاه که انتخاب شده اند، از میان نامزد های هابی که در مجمع عمومی و شورای امنیت آرایبی داشته اند، دادرسان مورد نیاز را انتخاب خواهند کرد. در صورت تساوی آرا بین قضات مزبور رأی سالخورده ترین دادرس دادگاه رأی قطعی خواهد بود (بند های چهارم و سوم، ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه).

### شرایط انتخاب قضات

شرایطی که در انتخاب قضات مراعات می گردد، بقرار زیرست:

**صلاحیت شخص دادرس.** بموجب ماده ۲ اساسنامه دادگاه،

دادگاه از هیئتی از دادرسان تر کیب می شود که اولاً عالیترین مقام اخلاقی را دارا؛ ثانیاً از نظر علمی واجد شایستگی احراز چنین مقام برجسته ای باشند. در قسمت اخیر ماده ۲ اشاره ای بچگونگی صلاحیت علمی دادرسی شده است، باین ترتیب که نامزد دادرسی دادگاه بین المللی بایستی واجد شرایط انتخاب بعضویت عالیترین دادگاه کشور خود و یا از متخصصین حقوق بین الملل و شایستگی او در این باب مورد قبول باشد.

**صلاحیت عام دادگاه.** دادگاه بین المللی داد گستره عالیترین

رکن قضایی ملل متحد است و از این رو بایستی طوری تر کیب یابد که از اعتقاد همه دولت های جهان برخوردار باشد. این امر میسر نیست جز با انتخاب قضاتی که نماینده نظامهای حقوقی مختلف باشند. از



این رو اساسنامه دادگاه مقرر می‌دارد که انتخاب کنندگان نه تنها باید صلاحیت شخص نامزد های دادرسی را در نظر بگیرند، بلکه در نظر داشته باشند که «دادگاه بعنوان يك هیئت معرف تمدنهای بزرگ و نظامهای حقوقی عمده جهان» باشد.

این نظم جغرافیایی که در سایر ارکان ملل متحد نیز کم و بیش مراعات می‌گردد، همیشه از نظر جغرافیایی منصفانه تحقق نمی‌یابد. علت آنست که نخست نظامهای حقوقی کشور های متمدن و پیشرفته پیروان بیشتری داشته وعده زیادی از نظامهای حقوقی مزبور پیروی می‌کنند و دودیکر آنکه در صورت اجرای اصل تساوی جغرافیایی بطور دقیق بیم آن می‌رود که سطح علمی و شهرت قضایی دادگاه دستخوش نقصان گردد.

برای عضویت نمایندگان نظامهای حقوقی بیشتر پیشنهادهایی دایر باز دیاد اعضای دادگاه شده است که ملل متحد و مجمع عمومی هنوز درباره آنها اقدامی بعمل نیاورده‌اند. ولی سیر فکر حقوقی و قضایی بین المللی بر آنست که حتی اگر اجرای مفاد ماده ۹ سبب نقصانی در سطح شهرت علمی- قضایی دادگاه گردد، بایستی مفاد آنرا بر ماده ۲ اساسنامه ترجیح داد. *رساله جامع علوم انسانی*

در حال حاضر در مورد ترکیب دادگاه نکات زیر مراعات می‌گردد:

نخست آنکه دول بزرگ هر يك دارای نمایندهای در دادگاه می‌باشند. اگر چه هیچگونه مقرراتی در این مورد موجود نیست، معذالك حضور قضات دول بزرگ در دادگاه بتقویت ارزش اجرایی و سیاسی آرای دادگاه کمک می‌نماید.

بقیه کرسیهای دادگاه، یعنی فقط ۱۰ کرسی برای تعمیم جغرافیایی آزاد می‌باشد. تقسیم بندی این کرسیها در سالهای ۱۹۵۸ و

۱۹۶۱ بقرار زیر بوده است: گروه افریقایی - آسیایی دو کرسی، اروپای غربی ۲ کرسی، اروپای شرقی یک کرسی، امریکای لاتین ۴ کرسی (از این عده معمولاً یک کرسی بکشورهای امریکای مرکزی تعلق دارد)، کشورهای مشترك المنافع بریتانیا ۲ کرسی.

نمایندگی نظامهای اصلی حقوقی در دادگاه در انتخابات ۱۹۶۱ بقرار زیر بوده است: کشورهای حقوق عرف ۳ کرسی، حقوق لاتین ۸ کرسی (سه کرسی اروپای غربی، ۴ کرسی امریکای لاتین، یک کرسی بالکان)، حقوق اسلامی یک کرسی، حقوق کمونیستی ۲ کرسی و حقوق آسیایی دو کرسی. حقوق اسلامی در انتخابات ۱۹۵۵ و ۱۹۵۸ دو کرسی را احراز نموده است، بعلاوه قضات نماینده نظام حقوقی آسیایی که گاه جنبه نمایندگی حقوق اسلامی را نیز داشته‌اند.

نظام جغرافیایی قضات بر حسب قاره های جهان در انتخابات سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۱ بقرار زیر بوده است: افریقا یک کرسی، امریکای شمالی یک کرسی، امریکای جنوبی ۴ کرسی، آسیا دو کرسی، استرالیا یک کرسی و اروپا ۶ کرسی.

### استقلال قضات دادگاه

دادگاه مرکب خواهد بود از هیئتی از دادرسان مستقل، ماده ۲ اساسنامه. با وجود این اساسنامه بدین اکتفا نکرده استقلال قضات را بطرق مختلف تضمین نموده است. نخست آنکه قضات پس از انتخاب و قبل از شروع وظایف خود بموجب ماده ۲۰ اساسنامه در اولین جلسه علنی دادگاه سوگندی یاد می کنند: «من رسماً اعلام می دارم که وظایف خود را انجام داده قدرت خود را بعنوان یک دادرس شرافتمندانه، با ایمان، بیطرفانه و از روی وجدان بکار خواهم بست.»

و دیگر آنکه قضات دادگاه نمی توانند وظایفی را بعهده گیرند که منافی با استقلال رأی آنان باشد. در تعقیب این فکر بند یک ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه

مقرر می‌دارد که «اعضای دادگاه نمی‌توانند هیچگونه مأموریت سیاسی، اداری  
بعهدہ بگیرند و یا به‌شغلی مشغول گردند که جنبه حرفه‌ای داشته باشد» و بموجب  
بند دوم همین ماده «در صورت تردید حکم دادگاه قطعی خواهد بود». علاوه  
بر این قضات نمی‌توانند بصورت نماینده، مشاور یا وکیل در دعوایی نظر دهند  
و در صورتی که قبلاً بهر یک از عناوین فوق در دعوای مطروح در دادگاه شرکت  
داشته‌اند، بایستی از شرکت در رأی خودداری کنند (ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه).  
از سوی دیگر بقضات حقوق مکفی و حقوق بازنشستگی خوبی تعلق می‌گیرد و  
بر کناری آنان از شغل خود بستگی دارد به‌رأی خود دادگاه (۱). مقررات فوق  
مانع از آنست که دولت متبوع قاضی یا گروه ملی که او را نامزد نموده و یا سایر  
اشخاص در رأی وی نفوذی داشته باشند. علاوه بر این اعضای دادگاه در حین  
اجرای وظایف خود از مزایا و مصونیت‌های سیاسی برخوردار خواهند بود (ماده  
۱۹ اساسنامه دادگاه).

#### دادرسان دادگاه و دوره خدمت آنان

دوره خدمت قضات ۹ سال خواهد بود. معذالک در انتخابات دوره اول  
مأموریت ۵ قاضی در انقضای سه سال اول و مأموریت ۵ قاضی دیگر در انتهای  
شش سال پایان پذیرفت (ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه). علت اختتام مأموریت  
پاره‌ای از قضات قبل از ۹ سال دوام کار و سیر قضایی دادگاه می‌باشد. قضات دادگاه  
دایمی دادگستری بین‌المللی همگی برای مدت ۹ سال انتخاب گردیده دوره مزبور  
را بکمال خدمت نمودند. انتخابات قضات در دوره جامعه ملل در سالهای ۱۹۲۹-  
۱۹۲۱ انجام گردید. انتخابات سال ۱۹۳۹ بعلت بروز جنگ جهانی انجام نگرفت.  
حسن انتخاب همگی قضات برای مدت ۹ سال تمام در این بود که دوام کار و سیر  
روش حقوقی و قضایی دادگاه در طی ۹ سال دوره هر دادگاه تأمین می‌گردید.

(۱) هیچ‌یک از اعضای دادگاه را نمی‌توان برکنار کرد، مگر آنکه سایر اعضای دادگاه  
متفقاً بر این باشند که دادرس مزبور دیگر دارای شرایط لازم مقام قضا نمی‌باشد،  
بند اول ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه.

لکن در انتخابات دوره بعد امکان این بود که تعداد قابل توجهی از قضات مایل به تجدید انتخاب نباشند یا انتخاب نگردند، در اینصورت دوام روش قضایی دادگاه در دوره‌های مختلف تضمین نمی‌گردید. از اینرو با تغییری که در این مورد در اساسنامه دادگاه بعمل آمده است، نه تنها دوام روش قضایی در طی یک دوره تأمین می‌گردد، بلکه روش قضایی دادگاه بطور کلی بر یک سیر دایمی قرار داده شده است.

قضات دادگاه از بین خود و برای مخفی رئیس و نایب رئیس دادگاه را انتخاب می‌نمایند. دوره ریاست و نیابت ریاست سه سال خواهد بود (ماده ۲۱، بند اول اساسنامه) و هر گاه احد از مشاغل مزبور بهر علتی بی‌متصدی گردد، انتخابات جدیدی بعمل خواهد آمد و رئیس یا نایب رئیس که بدین ترتیب انتخاب می‌گردد، برای بقیه مدت تصدی رئیس یا نایب رئیس قبلی انجام وظیفه می‌نماید. همچنین هر گاه یک یا چند کرسی قضاوت خالی بماند، انتخابات بهمان صورت انتخابات عمومی انجام می‌گیرد، ولی «مدت مأموریت عضو منتخب بجای عضو دیگری که هنوز مدت مأموریت او تمام نشده است، همان بقیه مدت سلف او خواهد بود» (ماده ۱۵ اساسنامه).

اداره جلسات دادگاه بعهدہ رئیس دادگاه و در غیاب وی بعهدہ معاون دادگاه است. در صورتی که رئیس و نایب رئیس دادگاه بهر علتی از اداره دادگاه معاف باشند، سالخورده‌ترین عضو دادگاه از میان پیر سابقه‌ترین آنها ریاست جلسات را بعهدہ خواهد گرفت. در هر صورت هر گاه تصدی ریاست دادگاه (رئیس و در غیاب وی نایب رئیس و در غیاب هر دو ارشد اعضای دادگاه) ملیت احد از اصحاب دعوی را داشته باشد، از ایفای وظایف ریاست معذور می‌باشد (بند اول از ماده ۱۳ آیین‌نامه دادگاه). ترتیب نشستن قضات بر حسب ارشدیت آنها خواهد بود؛ بدین ترتیب که معاون دادگاه در سمت راست رئیس و سپس ارشد قضات دست چپ وی و سایرین به ترتیب ارشدیت دست راست و چپ وی جلوس خواهند کرد. ارشدیت در میان قضاتی که در یک دوره انتخاب شده‌اند، با سالخورده‌ترین

آنهاست و در میان قضاتی که در دوره های مختلف انتخاب شده اند، ارشدیت با قضاتی است که سابقه بیشتری دارند. هر گاه دادرسی دو مرتبه انتخاب گردد، سابقه وی از لحاظ ارشدیت منظور خواهد گردید (ماده ۲ آیین نامه). قضات ملی پس از قضات دادگاه قرار داشته بین آنها ارشدیت بسالخورده ترین آنها تعلق دارد. حد نصاب تشکیل دادگاه حضور ۹ قاضی می باشد (ماده ۲۰ اساسنامه، بند سوم).

### مدیر دفتر دادگاه (۱)

مدیر دفتر را دادگاه به رأی مخفی و اکثریت مطلق برای مدت هفت سال انتخاب می نماید (ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه). او می تواند دوباره انتخاب شود. پیشنهاد نامزدی برای شغل مدیریت دفتر توسط اعضای دادگاه بعمل می آید. همراه این پیشنهادها شرح حالی از نامزد مدیریت دادگاه و تجارب حقوقی وی بدادگاه تقدیم می گردد. در صورتی که بعللی مدیر دفتر دادگاه از انجام وظایف خود معذور باشد، جانشین وی بهمین ترتیب انتخاب خواهد گردید. مدیر دفتر دادگاه رابط بین دادگاه و سایر سازمانها و اشخاص است. کلیه مراسلات و درخواستها بایستی بوی خطاب گردد. قبل از قبول شغل مدیریت دفتر دادگاه، مدیر دفتر سوگندی یاد خواهد کرد که چنین است: «من رسماً اعلام می دارم که وظایف خود را بعنوان مدیر دفتر دادگاه بین المللی دادگستری با وفاداری، دقت و با وجدان آگاه انجام خواهم داد». مدیر دفتر دادگاه می تواند از سالی دو ماه مرخصی استفاده کند (ماده ۱۶ آیین نامه دادگاه).

مدیر دفتر دادگاه دارای معاونی خواهد بود که معاون مدیر دفتر دادگاه (۲) نامیده می شود، ماده ۱۵-۱۴ آیین نامه دادگاه. شرایط و ترتیب انتخاب معاون مدیر دفتر دادگاه همانست که در مورد انتخاب مدیر دفتر دادگاه مراعات می گردد. نامبرده نیز قبل از شروع وظایف خود سوگندی شبیه سوگند مدیر دفتر دادگاه ایراد خواهد کرد (ماده ۱۷، آیین نامه دادگاه). در غیاب مدیر

1) Registrar .

2) Deputy- Registrar .

دفتر دادگاه کارهای دفتر دادگاه را معاون وی انجام خواهد داد .  
در صورتی که مدیر دفتر و معاون وی بعللی در دسترس دادگاه نباشند ،  
رئیس دادگاه یکی از اعضای دفتر دادگاه را بسمت کفالت مدیریت دفتر دادگاه  
انتخاب می نماید و در اینصورت نامبرده وظایف مدیر دفتر دادگاه را انجام  
خواهد داد .

تعداد اعضای دفتر دادگاه در حدود ۳۰ نفر می باشد و در مورد لزوم با  
کارمندان موقت تقویت می گردد . اعضای دفتر که از نظر فنی جزو دبیرخانه  
ملل متحد محسوب نمی گردند ، به پیشنهاد مدیر دفتر و تصویب دادگاه انتخاب  
گردیده از عناوین سیاسی معمولی برخوردارند . وظایف اعضای دفتر تحت چهار  
عنوان خلاصه می گردد : وظایف قضایی ، سیاسی ، اداری و زبانی ( امور مربوط  
بترجمه ) .

### قضات ملی

هر گاه در میان قضات دادگاه دادرسی دارای ملیت احد اصحاب دعوی  
باشد ، ویرا قاضی ملی<sup>(۱)</sup> می نامند . در اینصورت طرف دیگر دعوی حق دارد  
دادرسی را برای توضیح بیشتر دعوای خود و کمک بدادگاه در تنظیم رأی منصوب  
و بدادگاه معرفی نماید ( قاضی خاص یا قاضی مورد مبتلا به ) . هر گاه دادرسانی  
دارای ملیت اصحاب دعوی در میان اعضای دادگاه نباشند ، طرفین دعوی می توانند  
دادرسانی بمنظور فوق منصوب و معرفی نمایند ( بند سوم ماده ۳۱ اساسنامه دادگاه ) .  
بهبترست که این قضات را از میان نامزدهای انتخاب برای دادرسی دادگاه که از  
طرف گروههای ملی دادگاه دایمی داوری ( ماده ۴ اساسنامه ) بعمل می آید ،  
برگزیند . قضات ملی در امر مقصود<sup>(۲)</sup> از نظر ارشدیت پس از قضات دادگاه  
قرار دارند و در بین آنها ارشدیت با عضو سالخورده تر می باشد . قضات ملی نیز  
قبل از قبول وظایف خود سوگند یاد خواهند کرد . قضات ملی بایستی دارای

1) National judge .

2) Judge ad hoc; meaning 'arranged for this purpose' .

شرایط قضاات دادگاه بوده مفاد مواد ۲ اساسنامه دادگاه (شایستگی قضاات)، ۱۷ (عدم شرکت در دعوا بعنوان مشاور، نماینده یا وکیل یکی از طرفین)، ۲۰ (ادای سوگند) و ۲۴ (عدم شرکت در دعوا بعلت خاص) را رعایت نمایند.

مخالفان تأسیس حقوقی قاضی ملی معتقدند که قضاات خاص همیشه بنفع کشور متبوع خود رأی می دهند و از آن مهمتر این امر معارض با اصل حقوقی «هیچ کس نباید قاضی دعوای خود باشد» (۱)، می باشد. موافقین شرکت قضاات ملی یا قضاات خاص در رد این عقیده بطریق زیر استدلال می کنند: اصل شرکت قضاتی که دارای ملیت اصحاب دعوا باشند، در رسیدگی بدعوی اصلی است کهن که در کلیه محکمه های داوری که پیشروان دادگاههای بین المللی قرن مامی باشند، از دیر زمانی مراعات می شده است. بعلاوه اگرچه قضاات خاص متمایل بدادن رأی بنفع دولت متبوع خود می باشند، استماع نظر آنها برای دادگاه مفید و باجرای رأی از طرف دولت متبوع آنها کمک می کند. از این گذشته قضاات ملی پس از انتخاب بصورت هیئت مستقلی وظایف خود را انجام داده نمایندگان دول متبوع خود نمی باشند و از اینرو نبایستی از شایستگی اجلاس و رسیدگی بدعوای مزبور محروم گردند. علاوه بر این قضاات ملی در بسیاری از موارد برخلاف منافع دولت متبوع خود رأی داده اند، چنانکه در *مک نیر* (۲) در دعوی ایران و انگلیس چنین کرد. از اینها گذشته پس از تکمیل پرونده تنها راهی که دادگاه را در روشن کردن قضیه کمک خواهد کرد، اظهارات قضاات ملی خواهد بود. و این احتمال که شرکت قضاات ملی و قضاات خاص هنگامی زیان بخش خواهد بود که شرکت آنان در ترکیب دادگاه و نظر آنان در رأی دادگاه مؤثر باشد، با توجه بتعداد سایر قضاات خود بخود منتفی است. خاصه آنکه ضروری نیست که قضاات خاص دارای ملیت طرف دعوا باشند. در پاره ای موارد قاضی یا قضاات خاص از حقوقدانانی که دارای ملیت کشور بیطرفی بوده اند،

1) *Nems Juddex in causa sua.*

2) *Lord Mc Nairs' s Judgement the Anglo - Iranian Oil Co . Cases .*

انتخاب شده‌اند. اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری قضاات ملی را از حق اجلاس و رسیدگی محروم ننموده و برای اجرای تساوی در استماع نظر طرف دیگر دعوی انتخاب قاضی خاص را مجاز داشته است. قضاات ملی که عضو دادگاه نیستند (یعنی قضاات خاص)، حقوق دریافت نمی‌دارند، بلکه مقرری روزانه‌ای برای حضور در دادگاه با آنها تعلق می‌گیرد (اساسنامه دادگاه ماده ۳۲، بند چهارم)،

## ۶- ارزیاب‌ها (۱)

دادگاه می‌تواند در صورتی که ضروری تشخیص دهد، شخص یا هیئت یا اداره‌ای را برای انجام تحقیقات و یا نظر کارشناسی انتخاب نماید (ماده ۵۰ اساسنامه). دادگاه همچنین می‌تواند بنا برخواست طرف یا طرفین دعوی و یا بابتکار خود برای موضوع معینی ارزیاب معین نماید. در این صورت رئیس دادگاه اطلاعات لازم در مورد انتخاب ارزیاب‌ها تهیه و دادگاه به رأی مخفی و با کثرت مطلق ارزیاب مورد نظر را انتخاب خواهد کرد (ماده ۷). این ترتیب در مورد شعب دادگاه که در ماده اساسنامه مذکورست، نیز رعایت خواهد شد. فرق عمده بین ارزیاب‌ها و قضاات ملی یا قضاات خاص در اینست که ارزیاب نظر خود را در مورد مسئله معینی اظهار می‌دارد و در اخذ رأی دادگاه شرکت ندارد. بعلاوه برخلاف قضاات خاص که از طرف اصحاب دعوی معین می‌شوند، کارشناس و ارزیاب را خود دادگاه انتخاب می‌نماید. معذالک ارزیاب‌ها قبل از شروع بانجام وظایف خود بایستی در جلسه علنی دادگاه سوگند یاد کنند که وظایف خود را شرافتمندانه و با ایمان و بیطرفانه و با رعایت مقررات اساسنامه دادگاه و آیین‌نامه انجام خواهند داد (ماده ۸ آیین‌نامه).

## شعب دادگاه

دادگاه می‌تواند برای رسیدگی بطبقه خاصی از دعاوی، مثلا دعاوی راجع بکار، ارتباطات و عبور کالا از خاک کشور، شعبه‌ای مرکب از سه قاضی یا بیشتر

1) Assessors .



تشکیل دهد . دادگاه همچنین می تواند در صورت موافقت طرفین دعوی چنین شعبه ای را برای رسیدگی بموضوع خاصی نیز تشکیل دهد . رأی صادره از طرف چنین شعبه ای در هر حال در حکم رای دادگاه خواهد بود . برای سهولت رسیدگی باینگونه دعاوی ، شعب مزبور می توانند با رضایت طرفین جلسات رسیدگی خود را در محلی غیر از لاهه تشکیل دهند (مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ اساسنامه دادگاه) . علاوه بر شعب مذکور فوق و برای رسیدگی اختصاری (۱) دادگاه می تواند بموجب ماده ۲۹ اساسنامه خود هر ساله شعبه ای مرکب از ۵ قاضی تشکیل دهد . این شعبه بنا بر درخواست طرفین دعوی می تواند موضوع خاصی را بطریق اختصاری مورد رسیدگی قرار دهد . علاوه بر دو قاضی منتخب برای این شعبه دادگاه دو قاضی دیگر را انتخاب خواهد کرد که در صورت عدم امکان حضور عده ای از قضات مذکور بجای آنان انجام وظیفه نمایند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

1 ) Trail by Summary Procedure .